دکتر سید مصطفی تقوی مقدم

پهلوی‌ستایی
مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

پهلوی‌ستایی در ترازوی تاریخ – ۴۷

انحراف پهلوی‌ستایان از مسیر واقعیت

سخن آخر

سیاست‌زدگی، شخص‌محوری و حجیت مطلق اسناد بریتانیا

در نوشتهٔ حاضر، مباحث مهمی از دیدگاه پهلوی‌ستایی مورد نقد قرار گرفت و کاستی‌ها و ناراستی‌ها و تناقضات آنها نشان داده شد. به مباحثی از کتاب ایران برآمدن رضاخان... مانند سیاست عشایری رضاشاه، ماجرای جمهوریخواهی، مواضع احمدشاه و... پرداخته نشد. باید گفت در همهٔ آن موارد و مباحث نیز نویسندهٔ کتاب یاد شده به همان شیوهٔ مألوف خود برای رضاشاه‌پردازی (برساختن چهره‌ای مطلوب و مقبول از رضاشاه) به تقطیع اسناد، استنباط مبتنی بر پیش‌داوری، مصادرهٔ به مطلوب و داستان‌پردازی پرداخته است. نقد و تحلیل همهٔ ادعاها و موارد مطرح شده در این کتاب، تألیفی حجیم‌تر از اصل آن را می‌طلبد ولی همین موارد بررسی شده برای دریافت روح و ماهیت دیدگاه اصلی و سطح علمی آن کفایت می‌کند.

پهلوی‌ستایی
Praising the Pahlavi in the scale of history
مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی
www.psri.ir

عوامل مهمی که باعث شده نویسنده کتاب یادشده در تحلیل مسائل از مسیر واقعیت و روش علمی به دور بیفتد از این قرار است:

سیاست‌زدگی و شخص‌محوری: تعصب نسبت به رژیم پهلوی و شدت مخالفت با نظام جمهوری اسلامی این قبیل نویسندگان را به بیراههٔ ارتجاعی ستایش از رژیم پهلوی کشانده است. این بیراهه نیز به شخص‌محوری و تحسین و ثنای دیکتاتور منفور ملت انجامیده است. جانبداری متعصبانه از رضاشاه باعث شده برای برساختن چهرهٔ مطلوب از او، با پیش‌داوری به سراغ تاریخ رفته و در تحلیل داده‌های تاریخی از مسیر روش علمی فاصله گرفته و دچار خطاهای اساسی بشوند. طبیعی بود که این قبیل افراد، با چنین رویکردی، به‌رغم ادعای علمی بودن و وعدهٔ بی‌طرفی برای ارائهٔ تصویری متعادل از رضاخان،[۱] نتوانند به این قول لفظی خود وفا نمایند و در عمل، همهٔ توان و دانش خود را حتی در بسیاری از موارد به گونه‌ای احساسی- حماسی و غیرعلمی و غیرتاریخی و با نادیده‌گرفتن بسیاری از حقایق، به کار بسته تا چهرهٔ مطلوب خویش را از او برسازند. در نتیجه، در اینگونه نوشته‌ها از آسیب‌شناسی رژیم دیکتاتوری و پیامدهای ناگواری که برای کشور داشت تغافل شده و تراز سخن به شخص و ستایش از او تنزل می‌یابد. شاید این هم از طنزهای روزگار باشد که برخی در نظر ادعای نفی رژیم دیکتاتوری را می‌کنند اما در عمل شخص دیکتاتور را مدح می‌کنند. گویا دیکتاتوری بد است، اما دیکتاتور خوب!

در طول تاریخ دوران سلطنت، تنها از شاهانی به نیکی یاد می‌شود که تاریخ بر مردمداری و رضایت نسبی مردم از آنها گواهی داده باشد. به جز قلم‌به‌مزدان درباره‌ها، همهٔ مورخان و نویسندگان آزاده و منصف، ستایش شاهان غیرمردمی را زشت شمرده و از آن دوری می‌جستند. ستایش دیکتاتور در عصر جمهوریت، به‌ویژه از سوی مدعیان دموکراسی و لیبرالیسم بسیار شگفت‌انگیز است. بیان و قلم از آن رو که ابزار ثبت و ترویج حقیقت هستند حرمت و قداست دارند و شایسته نیست آلوده به اغراض سیاسی شده و برای ذبح حقیقت در مسلخ سیاست به کار گرفته شوند.

حجیت مطلق اسناد بریتانیا: دادن اعتبار و حجیت مطلق به اسناد وزارت خارجهٔ بریتانیا و در عمل، محدود کردن منابع پژوهش، اگرچه نویسنده بدان مباهات می‌ورزد، آسیب مهم دیگری است که از نظر روش‌شناسی علمی اعتبار این‌گونه پژوهش‌ها را مخدوش کرده است. اسناد وزارت امور خارجهٔ بریتانیا در مقطع کودتای سوم اسفند و تأسیس رژیم پهلوی، به‌طور کامل منتشر نشده و اطلاعی از محتوای قسمت‌های منتشرنشده در دست نیست. آنچه تا زمان تألیف کتاب در دسترس نویسنده و دیگران بوده و نویسنده از آن استفاده کرده، عمدتاً بیانگر دیدگاه و موضع تنها یک جناح دولت انگلستان (وزارت خارجه) بوده و تمرکز بر آنها نمی‌تواند واقعیت همهٔ کانون‌های تصمیم‌گیری بریتانیا و نیز تمام ابعاد آنچه را که به عنوان کودتا در ایران رخ داد روشن کند. در نوشتهٔ حاضر کاستی‌های رویکردی که اسناد بریتانیا را معیار تحقیق و ارزیابی و داوری دربارهٔ واقعیت‌های عینی تاریخ کشور قرار می‌دهد، نمایانده شده است. چنین نگرش ناصوابی باعث شده صورت‌بندی کلی این‌گونه کتاب‌ها معجونی از شخص‌محوری و اعتماد کامل به اسناد بریتانیا باشد و آنها را به نوشته‌هایی حکومتی و رسمی درخور عنوان «ایران به روایت انگلیسی‌ها و به رضایت رضاخان» تنزل دهد. برای روشن شدن تأثیر عوامل فوق بر دستاورد پژوهشی کتاب ایران برآمدن رضاخان... و کتاب‌های رونویسی شده از آن، این پرسش را به میان می‌نهیم که به راستی اگر رضاشاه یا نمایندهٔ او این قبیل کتاب‌ها را مطالعه کند، چند مطلب مخالف روایت رسمی رژیم پهلوی را در آن می‌یابد؟ شاید به موارد معدودی از قبیل اینکه در انتخابات مجلس مؤسسان «فقط نامزدانی را که مطمئن بودند به رضاخان رأی، یا بگوییم تاج، می‌دهند اجازه دادند انتخاب شوند»،[۲] یا «زنده‌ترین نقیصهٔ اخلاقی رضاشاه میل سیری‌ناپذیر او به تملک زمین بود»،[۳] و یا به اشاراتی ناگزیر به دیکتاتوری و برخی کاستی‌های حکومت او برخورد کند.[۴] اما قطعاً خوانندهٔ مزبور با خواندن کتاب متوجه این تلبیس و ترفند می‌شود که اولاً برای تظاهر به بی‌طرفی و منصف‌نمایی نویسنده، در برابر آن همه قلمفرسایی مبالغه‌آمیز در پرداختن تصویری مستقل، میهن‌پرست، قهرمان ضدبیگانه به ویژه ضدانگلیس و «پدر ایران نوین و معمار تاریخ قرن بیستم کشور»[۵] از رضاشاه، اشارهٔ گذرا و محدود به مواردی معدود از واقعیت‌های غیرقابل انکار، ضروری و اجتناب‌ناپذیر بوده است. ثانیاً کوشش شده همین موارد معدود هم با این توجیه که همهٔ رژیم‌ها چنین کارهایی را انجام می‌داده‌اند و «رژیم پهلوی این سنت ناپسند را اختراع، ابداع یا مبالغه نکرد»،[۶] در حد توان کمرنگ و کم‌اهمیت وانمود شود.[۷] از این گذشته، در همین موارد هم به اذعان نویسنده، «هیچ راهی برای توجیه مطلب»[۸] پیدا نشد وگرنه قلم مظلوم در این باره نیز به کار بسته می‌شد!

> **پهلوی‌ستایان و رضاشاه‌پردازان برخلاف ادعای خود، فقط روایت رایج و کهنهٔ پهلوی‌ها از خودشان را با گزیده‌هایی از اسناد وزارت خارجهٔ بریتانیا آراستند و هرگز نتوانستند «تصویری متعادل» از رضاشاه و کارکرد حکومت او، ارائه دهند.**

بدین ترتیب، پهلوی‌ستایان و رضاشاه‌پردازان، برخلاف ادعای خود، فقط روایت رایج و کهنهٔ پهلوی‌ها از خودشان را با گزیده‌هایی از اسناد وزارت خارجهٔ بریتانیا آراستند و هرگز نتوانستند «تصویری متعادل» از رضاشاه و کارکرد حکومت او،[۹] ارائه دهند.

اینکه در حکومت رضاشاه و در مجموع رژیم پهلوی اقداماتی انجام شد و تحولاتی شکل گرفت، بدیهی است و کسی آن را انکار نمی‌کند. اصولاً هیچ حکومتی بدون پایه‌ای از کارکرد، امکان پیدایش و بقاء ندارد. البته حکومت پهلوی هم اقداماتی داشته است؛ اما در اینجا سخن نه بر سر اصل و کمیّت کارکرد حکومت، که بر سر ماهیت و جهت کارکرد حکومت و نظر مردم زیر آن حکومت در این باره است. به بیان دیگر، صِرف «سازندگی» هرگز توجیه‌کنندهٔ «دیکتاتوری» و «وابستگی به بیگانه» نیست.

به هر حال، حکومت پهلوی به تاریخ سپرده شد و چرخ زمان هم به عقب برنمی‌گردد. از این رو، واپس‌گرایی و تبلیغ کارنامه و ارائهٔ آمار گزینشی از بخش‌هایی از کارکرد آن رژیم و بزرگنمایی آن، پاسخ مناسبی برای نیازهای امروز جامعهٔ ایران که دورهٔ جمهوریت را تجربه می‌کند، نیست. نسل امروز و آیندگان تنها می‌توانند همانند مطالعهٔ همهٔ سلسله‌های حکومتی گذشتهٔ ایران، کارنامهٔ این حکومت را نیز در منابع معتبر تاریخ، مطالعه کنند و با آگاهی از کارکرد و علل و عوامل ظهور و سقوط آن بر تجربهٔ تاریخی خود بیفزایند و از سرنوشت آن عبرت بگیرند. با چنین مطالعه‌ای روشن می‌شود اگر حکومتی زادهٔ طبیعی جامعهٔ خود نبوده و متکی به آن نباشد؛ مولود قدرت بیگانه و وابسته به آن باشد؛ هویت و استقلال کشور را مخدوش کند؛ دیکتاتوری و زورگویی پیشه کند؛ آزادی را، که حق مسلم مردم است زیر پا بگذارد؛ به حقوق و جان و اموال مردم تجاوز کند، و...، خدمات و سازندگی‌هایش موجب مقبولیت نمی‌شود و ملت سرانجام آن حکومت را سرنگون خواهد کرد.

نفس اجماع بی‌نظیر ملت ایران در امر انقلاب، به عنوان یک تصمیم ملی، و محتوای آن تصمیم مشتمل بر مطالبهٔ استقلال، آزادی و جمهوریت مبتنی بر هویت ملی، برای جامعهٔ ایران شایسته و بایستهٔ احترام بوده و مسئولیت ایجاد می‌کند. چنین مطالباتی با مبانی تمدنی و منافع ملی کشور گره خورده، ماهیت راهبردی داشته و مشمول مرور زمان نمی‌شوند. پاسداشت این مطالبات، تلاش آسیب‌شناسانه و نقادانه برای تحقق و نهادینه‌کردن و بالابردن تراز و عیار آنها را می‌طلبد.

پانوشت‌ها:

۱- سیروس غنی. پیشین. ص ۱۵.
۲- همان. ص ۳۹۷.
۳- همان. ص ۴۲۴.
۴- صادق زیباکلام. رضاشاه. صص ۲۸۴-۲۸۸.
۵- سیروس غنی. پیشین. ص ۴۲۸؛ صادق زیباکلام. پیشین. صص ۲۶۴-۲۷۳.
۶- سیروس غنی. پیشین. ص ۴۲۴.
۷- صادق زیباکلام. پیشین. ص ۲۸۹.
۸- سیروس غنی. پیشین. ص ۴۲۴.
۹- سیروس غنی. پیشین. ص ۱۴؛ صادق زیباکلام، پیشین. صص ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۸۳، ۲۸۴.

آمریکا میدان نبرد – ۱۱

وضع حقیقی آزادی‌های مردم در آمریکا

نویسنده: دکتر جان دبلیو وایتهد

مترجم: دکتر احمد دوست‌محمدی

«تروریست‌های»بنیان‌گذار؟

هیچ سندی مصیبت‌های مستعمره‌نشین‌ها را بهتر از اعلامیه استقلال بیان نمی‌کند. اعلامیه استقلال، سندی مملو از خشم و انزجار از حکومتی است که کسانی را که تحت مسئولیتش بودند، مورد تجاوز قرار داده بود. این اعلامیه در ۴ ژوئیه ۱۷۷۶ توسط پنجاه و شش مرد امضا شد. کسانی که همه حرف‌های خود را به صراحت بیان کرده و به همه آنها متعهد شدند- «زندگی‌های ما، دارایی‌های ما و کرامت مقدس ما»- زیرا به یک اندیشه اساسی اعتقاد داشتند: اینکه همه آدم‌ها آزاد آفریده شده‌اند.

این مردان، با برچسب خیانتکاران، به خیانت متهم شدند، جرمی که مجازات آن مرگ بود. برای برخی، شورش‌های آنها به بهای خانه‌ها و دارایی‌های آنها تمام می‌شد. برای برخی دیگر، بالاترین بها را در پی داشت. با این حال، این مردان با اینکه می‌دانستند باید بهای سنگینی بپردازند، در زمانه‌ای که سکوت قابل تحمل نبود، جرأت کردند بی‌پرده حرف‌های خود را بزنند. این آمریکایی‌های جدید، حتی بعد از اینکه در کسب استقلال از بریتانیای کبیر به پیروزی رسیدند، برای تضمین امنیت حقوقی که جان خود را به خطر انداخته بودند، به تلاش‌های خود برای نسل‌های آینده، ادامه دادند. نتیجه: لایحه حقوق، ۱۰ متمم اول قانون اساسی.

تصور کنید چنانچه نیاکان ما می‌فهمیدند که چیزی حدود دویست سال بعد، حکومتی که آنها ایجاد کرده بودند، به یک دولت پلیسی نظامی‌گرا تغییر شکل داده است که در آن اعمال آزادی‌های ما به منزله یک اقدام زشت اعتراض‌آمیز نگریسته می‌شود، تا چه حد احساس ناراحتی و بی‌حرمتی می‌کردند.

در حقیقت، چنان‌که اعلامیه استقلال، امروز به رشته تحریر درمی‌آمد موجب می‌شد امضاءکنندگان آن به چشم تروریست نگریسته شده، منجر به قرار گرفتن آنها در فهرست مراقبت حکومت شده، فعالیت‌ها و ارتباطات آنها آماج دیدبانی قرار گرفته و احتمالاً برای مدت نامعلومی بازداشت شده، از حقوق خود محروم شده و برچسب جنگجویان دشمن به پیشانی آنها خورده شود.

یک نگاه اجمالی به وضع حقیقی آزادی‌های ما، آن‌گونه که در لایحه حقوق خطوط کلی آن ترسیم شده است، نشان می‌دهد اوضاع تا چه حد غم‌انگیز است.

متمم اول قرار است از آزادی بیان بی‌پرده و اعتراض مسالمت‌آمیز، بدون ممانعت حکومت، حمایت کند. این متمم همچنین از آزادی رسانه‌ها، و نیز حق‌پرستش و نیایش بدون مزاحمت، حمایت می‌کند. به عبارت دیگر، حکومت نمی‌تواند آمریکایی‌ها را سرکوب کند. با این حال، علی‌رغم حمایت‌های روشنی که در متمم اول دیده شده است، آزادی‌های تعریف شده در آن همواره در معرض تجاوز قرار دارند. می‌خواهد یک تفنگدار دریایی باشد که به خاطر انتقاد از حکومت در فیس‌بوک، بازداشت می‌شود، یا خبرنگاری باشد که به خاطر خودداری از افشای منابع خود، تحت تعقیب قرار می‌گیرد، یا معترضی باشد که به خاطر ایستادن بی‌سروصدا در مقابل دیوان عالی ایالات متحده، دستگیر می‌شود، این‌ها برای کسانی که قصد اعمال حق آزادی بیان خود را دارند، اوقات خطرناکی هستند.

متمم دوم به این نیت بود که «حق مردم را برای نگهداری و حمل اسلحه»، تضمین نماید. با این حال، در حالی که «مالکیت» اسلحه به عنوان یک حق برای تک‌تک شهروندان به رسمیت شناخته شده است، روبه‌رو شدن آمریکایی‌ها با یک نبرد دشوار در دادگاه‌ها، آنگاه که به منظور دفاع از خود در برابر مأموران حکومتی نظامی شده کاملاً مسلح، روی می‌دهد، ادامه دارد.

در واقع، احکام دادگاه‌ها در سال‌های اخیر تصریح کرده‌اند که شهروندان، در برابر افسران پلیسی که به طور غیرقانونی، به اشتباه یا به گونه‌ای دیگر، وارد خانه‌های آنها می‌شوند، حق مقاومت ندارند.

متمم سوم، این اصل را که مقامات غیرنظامی منتخب، با ممنوع کردن ورود ارتش به خانه هیچ شهروندی بدون «رضایت مالک»، مافوق ارتش هستند، تقویت می‌کند. متأسفانه، دیوار تفکیک بین اداره نظامی و اداره مدنی فرو ریخته است، چون که گروه‌های «سوآت» نظامی شده، اکنون اجازه دارند به منظور تحقیق درباره جرائم کوچک، همچون داشتن ماری‌جوآنا و یا جرایم مربوط به کارت‌های اعتباری بدون اطلاع قبلی، به طور ناگهانی وارد خانه‌ها شوند. با توجه به این که پلیس محلی به طور فزاینده‌ای در هیئت نیروهای نظامی ظاهر می‌شود- مجهز به سلاح‌ها، اونیفورم‌ها، ابزارهای تهاجمی و غیره- به خوبی و با دلایل محکمه‌پسند، می‌توان ثابت کرد که یورش‌های گروه «سوآت» مساوی است با جا دادن اجباری سربازان در درون خانه‌ها، که متمم سوم برای جلوگیری از آن نوشته شد.

> **یک نگاه اجمالی به وضع حقیقی آزادی‌های ما، آن‌گونه که در لایحه حقوق، خطوط کلی آن ترسیم شده است، نشان می‌دهد اوضاع تا چه حد غم‌انگیز است. متمم اول قرار است از آزادی بیان بی‌پرده و اعتراض مسالمت‌آمیز، بدون ممانعت حکومت، حمایت کند. این متمم همچنین از آزادی رسانه‌ها، و نیز حق‌پرستش و نیایش بدون مزاحمت، حمایت می‌کند. به عبارت دیگر، حکومت نمی‌تواند آمریکایی‌ها را سرکوب کند. با این حال، علی‌رغم حمایت‌های روشنی که در متمم اول دیده شده است، آزادی‌های تعریف‌شده در آن همواره در معرض تجاوز قرار دارند.**

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز
۳۳۱۱۹۲۳۶
۳۳۱۱۳۰۸۵ ۳۳۹۴۲۰۰۰ ۳۳۱۱۲۱۹۳
۳۳۱۱۰۲۰۲ ۳۳۱۱۸۰۵۲ ۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۱۱۳۵۱۹ ۳۳۹۱۱۵۶۸ ۳۳۹۰۲۵۹۹

جنوب	
شهرری	۵۵۹۰۰۸۹۷ - ۵۵۹۵۳۶۳۶
سعدی	۳۳۹۶۲۲۳۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱
شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال	
قلهک	۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران	۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری	۸۸۸۰۱۵۵۲ - ۸۸۹۰۰۸۶۷
شهرآرا	۱۱-۶۶۵۹۳۰۱۰ -۶۶۵۹۲۲۶۶

شرق – غرب	
آزادی	۹-۶۶۰۶۴۶۴۷ - ۶۶۰۰۷۴۷۹
شهریار	۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹ - ۶۵۲۲۲۹۳۳
کرج	۳۲۲۲۴۴۱۱ - ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳
تهران نو	۷۷۹۳۶۸۸۸ - ۷۷۹۰۹۹۳۹
دماوند	۷۶۳۲۱۹۳۸

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

کلاردشت چند قطعه زمین جهت سرمایه‌گذاری زیر قیمت
۰۹۱۲۰۲۸۱۵۱۱
۰۹۱۱۲۱۴۲۰۸۰

نیاز به سرمایه‌گذار
خرید و فروش آپارتمان
در یکی از بهترین از برندهای املاک تهران سرمایه‌گذاری حرفه‌ای و امن رو با ما تجربه کنید.
۰۹۱۲۱۴۸۷۸۸۳
۶۶۳۸۸۲۳۶

«املاک سان»
خرید و فروش
ویلا– زمین
پیمانکاری ساختمان
مشارکت ساخت
مازندران نوشهر، سی‌سنگان
۰۹۱۱۱۹۳۲۷۳۴

حمل و نقل

بنایی و خدمات ساختمانی

پیمانکاری ساختمانی اسکندری
انجام کلیه امور نقاشی ساختمان و تعمیرات
ارزان فوری عالی
۰۹۱۲۳۶۴۷۹۱۶

نگهداری از سالمند و کودک

امداد گستر آپادانا
نگهداری از سالمند، بیمار، کودک و کلیه امور نگهداری و فیزیوتراپ در منزل و همراه در بیمارستان با تخفیف ویژه جهت فرهنگیان، جانبازان و بازنشستگان
۲۲۵۰۴۲۳۸–۲۲۳۱۵۱۳۱

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

کشتیرانی آداک مارین
بسته‌بندی، کشتیرانی و حمل و نقل بین‌المللی
انواع خدمات بسته‌بندی شامل:
بسته بندی لوازم منزل و مبلمان، پیانو، ماشین آلات، کالاهای تجاری و موادغذای کالاهای نمایشگاهی، آثار هنری، اشیاء موزه‌ای، تابلوهای برق و تجهیزات، لوازم منزل دیپلماتهای سفارتخانه‌ها
بسته‌بندی و حمل بار به صورت خرده‌بار و فول جهت صادرات به: کانادا، آمریکا، اروپا اقیانوسیه، آفریقا و آسیا
www.adakmarine.ir – info@adakmarine.ir
۰۹۱۲۰۸۳۲۸۰۱
۰۲۱–۸۸۹۴۹۸۶۰–۶۵

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها
حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲ و ۶۶۸۰۰۷۸۹

لوازم یدکی خودرو

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی
تویوتا– لکسوس (بازار)
۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰– ۳۳۹۹۰۰۱۷

✷ با افتخار ما در کنار شما هستیم ✷
ارائه مشاوره صنعتی، دانش فنی و تهیه طرح توجیهی اقتصادی
نصب و راه اندازی خط تولید کارگاهها و کارخانجات صنعتی
بازاریابی ومهندسی فروش محصولات تولیدی صنعتی
تلفن ۰۹۱۲۱۷۱۷۶۳۸ ۰۲۱– ۸۸۵۳۵۷۹۲–۸۸۵۳۵۷۹۳

مشاور حقوقی

دفتر وکلای دادگستری
(مشاوره تلفنی رایگان)
قبول وکالت در دعاوی: حقوقی، کیفری، مواد مخدر، طلاق، مهریه مطالبه طلب، چک و سفته، ملکی، ماده ۱۰۰ کمیسیون شهرداری
دیوان عدالت اداری، دیوان عالی کشور
(با مجرب‌ترین مشاوران و وکلای پایه یک دادگستری)
ساعت کار: شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۱۰/۳۰ صبح تا ۱۸ عصر
تلفن: ۴ الی ۶۶۵ ۶۶۵ ۵۲
همراه: ۰۹۱۲ ۳۸۸ ۴۶۹۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۴/۸
آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی فجرآوران
جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی فجرآوران بهشهر بشماره ثبت ۱۷۶۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۶۰۲۱۵۳۵۱ رأس ساعت ۵ بعدازظهر روز سه‌شنبه ۱۴۰۱/۴/۲۱ در محل مسجد باب‌الحوائج برگزار می‌گردد. لذا از کلیه اعضا دعوت می‌شود با در دست داشتن کارت شناسایی معتبر راس ساعت مقرر در محل حضور به‌هم رسانید.
دستور جلسه:
۱– انتخاب هیئت مدیره و بازرس
۲– تصمیم‌گیری در خصوص نحوه انتشار آگهی دعوت مجمع عمومی شرکت
رئیس هیئت مدیره

تاسیسات فنی و صنعتی

تعمیرات و سرویس و راه‌اندازی چیلر، سردخانه، کمپرسور برودتی
حکاکی ۰۹۱۲۹۶۳۴۷۹۳
۴۴۳۵۲۴۵۷

آسانسور و بالابر

فروشگاه آسانسور سبحان
تهیه تمام قطعات آسانسور کششی و هیدرولیک با نصب
۰۹۱۲۳۰۰۵۶۶۹– ۷۷۸۱۱۵۷۰

استخدام

استخدام راننده میکسر
محدوده پردیس
رودهن و بومهن
۰۹۱۲۱۴۵۶۷۴۸

توضیح و تصحیح
در آگهی دعوت مجمع عمومی سالیانه شرکت تولیدی پلی‌بافت(سهامی خاص) به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۶۱۷۴۱ به شماره ثبت ۴۸۷ مورخ ۵۳/۱۱/۲ درج شده در روزنامه کیهان مورخ ۱۴۰۱/۴/۵ در صفحه ۶ نام رئیس هیئت مدیره رامین رجب‌زاده صحیح است که بدینوسیله اصلاح می‌گردد.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت دوم
انجمن صنفی کارگری کارگران ساختمانی مناطق ۱۷ و ۱۹ شهر تهران
از کلیه اعضای انجمن دعوت بعمل می‌آید در جلسه مجمع عمومی عادی نوبت دوم انجمن صنفی مذکور که در ساعت ۱۰ صبح روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۱/۵/۲۰ به آدرس خانی‌آباد خیابان شهید لطیفی نبش علی‌محمدی پلاک ۱۵۴ برگزار می‌گردد حضور بهم رسانید.
دستور جلسه:
۱– ارائه گزارش عملکرد هیئت مدیره خزانه‌دار و بازرس انجمن
۲– انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره و بازرسان
۳– سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی می‌باشد.
هیئت مدیره
انجمن صنفی کارگران ساختمانی مناطق ۱۷ و ۱۹ شهر تهران

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بنیاد چهارم خرداد
(روز مقاومت– روز دزفول)
بدینوسیله از کلیه اعضای بنیاد چهارم خرداد به شماره ثبت ۴۳۰۸۰ دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی که راس ساعت ۱۷:۳۰ چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۴/۲۹ به نشانی خیابان شهید فخری‌زاده روبروی بیمارستان شهید چمران دفتر بنیاد چهارم خرداد برگزار می‌شود شرکت نمایند.
دستور جلسه:
۱– استماع گزارش هیئت مدیره‌ها و بازرس‌ها
۲– تصویب ترازنامه
۳– تصویب بودجه سال ۱۴۰۱
۴– انتخاب اعضای هیئت مدیره و بازرسان
۵– بررسی و تصویب برنامه‌های پیشنهادی سال ۱۴۰۱
۶– اتخاذ تصمیم در خصوص افزایش سقف اختیارات هیئت مدیره در معاملات
هیئت مدیره بنیاد چهارم خرداد(روز مقاومت– روز دزفول)

آگهی‌های مفقودی

برگ سبز(سند مالکیت) خودرو سواری تیبا تیپ (۱۵۰۰CC) ۲۳۱ مدل ۱۳۹۲ به رنگ ۱۷۸ س ۱۶– ایران ۹۹ به شماره موتور ۸۰۶۹۵۰۷ و شماره شاسی NAS۸۱۱۱۰۰D۵۷۲۷۹۹۹ بنام محمد محمدزاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی و ضمائم و شناسنامه مالکیت(برگ سبز) اتوبوس بیابانی اسکانیا تیپ X۲۴۱۲ مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ۹۱۸ ع ۴۲ ایران ۲۴ و شماره موتور ۸۱۷۳۱۴۶ و شاسی NC۰CB۱۲A۲B۳۶۸۹۳۴۸ بنام علیرضا شیخی قلعه‌سردی به کد ملی ۱۷۵۱۴۲۵۴۹۱ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین‌شهر.

سند کمپانی و ضمائم سواری پژو ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس مدل ۱۳۷۶ به شماره پلاک ۱۱۸ ص ۴۹ ایران ۶۷ و شماره موتور ۲۲۵۲۷۶۰۰۲۸۱ و شاسی ۷۶۳۰۰۲۲۳ بنام شهاب کریمی به کد ملی ۱۱۶۰۱۲۹۷۸۹ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین‌شهر.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
(نوبت سوم)
دانشنامه پایان تحصیلات اینجانب نرگس دشت بزرگ فرزند هادی به شماره شناسنامه ۱۷۴۱۳۱۶۶۲۶ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی پیوسته رشته زبان انگلیسی گرایش مترجمی صادره از واحد دانشگاهی دزفول با شماره ۱۵۹۵۱۶۵۰۰۸۸۱ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۰۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول به نشانی دزفول، کوی آزادگان، بلوار دانشگاه و صندوق پستی ۳۱۳ ارسال نماید.

برگ سبز و سند کمپانی(سند کارخانه) خودروی وانت نیسان به شماره انتظامی ۱۸b۷۹۵ – ایران ۸۷ با شماره موتور ۰۰۱۴۰۴۴۷۰۰L و شماره شاسی ۰۰C۴۴۸۰۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی خودرو سواری سیتروئن زانتیا SX به شماره پلاک ۷۶۲ ط ۷۷– ایران ۷۷ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۵ و شماره موتور ۶۱۴۸۲۳ و شماره شاسی S۱۵۱۲۲۸۵۱۴۸۲۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو وانت سایپا ۱۵۱ به شماره پلاک ۳۲۸ ج ۲۹– ایران ۲۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۹ و شماره موتور M۱۳/۶۴۶۸۲۱۱ و شماره شاسی NAS۴۵۱۱۰۰L۴۹۱۱۴۴۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

فقدان مدرک تحصیلی
(نوبت سوم)
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب ژاله گرجی فرزند عبدالحسین شماره شناسنامه ۶۰۰۷ صادره از بروجرد در مقطع کارشناسی فیزیوتراپی از دانشگاه علوم پزشکی تهران به شماره ۱۴۲/۱۳۹۸۳۸ به تاریخ صدور ۸۴/۱۲/۱۶ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده خواهشمند است اصل مدرک را به دانشگاه علوم پزشکی تهران ارسال نماید.

برگ سبز سواری سایپا سفید به شماره انتظامی ۳۷۱ ق ۹۳– ایران ۴۰ به شماره موتور M۱۵/۹۵۶۹۷۵۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سایپا SE۱۳۱ به شماره پلاک ۳۵۶ ی ۶۷– ایران ۳۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۹ و شماره موتور M۱۳/۶۴۹۱۸۰۵ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰L۳۶۱۸۸۸۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت موتورسیکلت مدل ۹۳ سیستم زمرد تیپ ۱۵۰CCDI بشماره پلاک ۱۸۵۷۱– ایران ۵۲۵ شماره موتور ۰۱۴۹N۲Z۳۰۱۴۹۸ و شماره تنه N۲Z***۱۵۰Z۹۳۲۲۱۳۲ بنام علی آقا میرزایی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
بوئین‌زهرا

کارت بازرگانی حقوقی به شماره ۱۴۰۰۷۳۹۷۷۷۰ به تاریخ انقضای ۱۴۰۱/۴/۲۶ بنام شرکت نوگستران تجارت دروازه ملل فارس و مدیرعامل امین نعمت‌الهی و کارت بازرگانی حقیقی به شماره ۶۴۸۹۹۱۸۵۱۱ به تاریخ انقضای ۱۴۰۱/۸/۱ هر دو کارت با رشته فعالیت واردات و صادرات کلیه کالاهای مجاز بازرگانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط هستند.

شناسنامه سبز(مالکیت) خودرو پژو ۲۰۷ اتوماتیک پاناروما برنگ نقره‌ای به شماره انتظامی ۶۳۷ ق ۹۴– ایران ۳۴ و شماره شاسی MJ۱۴۲۴۷ مفقود و اعتبار ندارد.

برگ سبز خودرو کامیون– باری فلزی ایسوزو NPR۷۰L به شماره پلاک ۳۱۶ ع ۵۵– ایران ۲۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۶ و شماره موتور ۴۰۶۳۸۶ و شماره شاسی NAG۰۸۶NPRF۰۵۶۶۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز (سند مالکیت) برگ کمپانی و برگ محضری خودرو سواری تیبا تیپ سایپا مدل ۱۳۹۴ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۷۷۵ ق ۸۶– ایران ۳۸ به شماره موتور ۸۱۹۷۳۳۶ و شماره شاسی NAS۸۱۱۱۰۰F۵۸۱۹۸۸۳ به نام ولی لامع اشتلق مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

فقدان مدرک تحصیلی(نوبت اول)
دانشنامه پایان تحصیلات مقطع کاردانی پیوسته رشته تحصیلی الکترونیک به شماره گواهینامه ۱۵۵۳۶/۲۱ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۳ صادره از دانشکده فنی و حرفه‌ای شهید باهنر شیراز متعلق به آقای محمدرضا قاسمی فرزند عباس دارای شماره شناسنامه ۲۲۲۸ کد ملی ۲۵۷۱۸۳۷۵۱۱ صادره از فسا متولد ۱۳۶۳/۶/۳۱ آدرس محل سکونت شیراز- بلوار چمران- ابیوردی ۳ آپارتمان ۶۲ طبقه ۳ واحد ۵ کدپستی ۷۱۹۴۷۷۴۱۳۴ شماره تلفن ۰۹۱۷۸۱۷۴۶۲۳ مفقود گردیده است. لذا به موجب این آگهی دانشنامه مذکور ابطال می‌گردد. از یابنده خواهشمند است مدرک فوق را به اداره کل امور فارغ‌التحصیلان وزارت علوم؛ تحقیقات و فناوری تسلیم نماید.

اصل پروانه حمل سلاح شکاری ساچمه‌زنی ۲ لول ته‌پر به شماره سریال ۲۴۰۶۲۵۳ متعلق به آقای اسداله قمری‌نژاد فرد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ کمپانی خودرو سواری اپتیما مدل ۲۰۱۶ به رنگ سفید متالیک به شماره پلاک ۱۴۸ ج ۱۵– ایران ۶۸ به شماره موتور G۴KEFH۱۷۴۳۳۶ به شماره شاسی KNAGN۴۱۲BG۵۶۲۹۴۴۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۳ رنگ نقره‌ای متالیک به شماره موتور ۱۰FSM۸۴۶۲۸۱۳۲ و شماره شاسی ۸۳۶۰۲۷۴۰ و پلاک انتظامی ۵۲۸ ص ۷۷– ایران ۸۳ متعلق به خانم لیلا اسفندیاری مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ کمپانی موتورسیکلت پالس به شماره موتور ۹۱۲۷۰ و شماره تنه ۱۳۳۴۹ و شماره پلاک ۳۲۷۶۲– ایران ۳۲۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز پژو ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس آی مدل ۸۵ به شماره انتظامی ۴۳۹ ج ۶۷ ایران ۸۹ به شماره موتور ۱۲۴۵۱۵۶۶۴۵ و شماره شاسی ۲۴۲۴۳۸۷۹ به نام علمدار سیفی‌قلی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
بوئین‌زهرا

اینجانب فرزاد یارمند مالک وانت پیکان OHV دوگانه‌سوز به شماره انتظامی ۳۵۸ ص ۸۳ ایران ۶۳ موتور ۱۱۴۸۶۰۵۵۳۶۴ شاسی ۳۱۶۵۴۴۳۵ به علت فقدان سند کمپانی و برگ سبز و کارت خودرو و یک عدد پلاک انتظامی تقاضای رونوشت المثنی نموده‌ام چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهد شد. مدت اعتبار این آگهی یک سال است.

سند کمپانی کامیون کشنده FAW فائو تیپ ۲*۴-۳۶/CA۴۱۸۰-J۶ به شماره انتظامی ۷۷۵ ع ۵۶ ایران ۸۴ مدل ۹۷ رنگ سفید روغنی با شماره موتور CA۶DM۲۴۲E۴۵۳۰۰۸۴۲۵ و شماره شاسی N۵T۶CA۴۱۸JDT۰۳۱۸۴ به نام شرکت حمل و نقل بندر شراعت مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

نام ۱ نفر از فرزندان
تحت پوشش خیریه یاد گل نرگس

نام مستعار کودک: زهرا رضایی
نام پدر: حسن
متولد: ۱۳۹۳/۲/۲۰
کد ملی: ۶۵۸۰۵۷۰۱۳۱

اسامی ۴ نفر از فرزندان
تحت پوشش شیرخوارگاه حضرت رقیه (س)

نام مستعار کودک: محمد صادق
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۳/۱
محل پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱
زمان پیدایش: ۱۴۰۱/۳/۱

نام مستعار کودک: پروا
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۳/۱۰
محل پذیرش: بیمارستان مهدیه
زمان پیدایش: ۱۴۰۱/۳/۱۰

نام مستعار کودک: بنفشه
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۳/۲۳
محل پذیرش: بیمارستان مفرح
زمان پیدایش: ۱۴۰۱/۳/۲۳

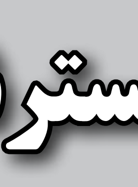

نام مستعار کودک: لیدا
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰
محل پذیرش: بیمارستان شهید مفتح ورامین
زمان پیدایش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

با حضور در نیازمندیهای روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید